

سریع کشته‌شد» و افزود: «آنچه این جنبش فاش کرد، لایه‌ای سیستمی از سوءاستفاده بود، نه فقط در این صنعت، بلکه در همه صنایع، اما همچنان انتقادات زیادی به عدم شفافیت و بی‌مسئولی‌بی کامل در این ارتباط وجود دارد. برخلاف تصور رایج که این پدیده را صرفاً یک شایعه می‌داند، اسناد قضایی و اظهارات رسمی نشان می‌دهد، این موضوع به سطح پرونده‌های جنایی و بحران‌های دیپلماتیک نیز کشیده شده است.

اتهامات علیه ژان کلود ون دام

مهم‌ترین افشاگری جدید، اتهامات علیه ژان کلود ون دام است که نشان می‌دهد این پدیده ممکن است از مرحله «همراهی لوکس» فراتر رفته باشد. بر اساس شکایت ثبت‌شده در رومانی، پنج زن رومانیایی که در وضعیت آسیب‌پذیری قرار داشتند، به عنوان «هدیه» به جریان جشنواره کن به ون دام ارائه شده‌اند. وکلای شاکیان ادعا می‌کنند که او از وضعیت استثمارشدگی این زنان آگاه بوده است. این شکایت بخشی از یک تحقیق گسترده‌تر علیه یک شبکه قاچاق انسان به رهبری یک تاجر رومانیایی است که از طریق آژانس مدلینگ، زنان را به رویدادهای بزرگ اروپایی منتقل می‌کرده است. واکنش جشنواره‌ها و نهادهای سینمایی، تصویر پیچیده‌ای از سکوت، انکار و حتی محافظت از متهمان را نشان می‌دهد. در این ارتباط یک شکایت به اداره مبارزه با جرائم سازمان یافته و تروریسم رومانی ارائه شده است. از آنجا که ادعا می‌شود وقایع در کن رخ داده، مقامات رومانی برای ادامه تحقیقات نیاز به تأیید دیوان عالی فرانسه دارند. ون دام از طریق وکیلش این اتهامات را قویاً رد کرده و آنها را «مضحک و بی‌اساس» خوانده است.

جنبش زنانه می‌تود در کشورهای غربی که در یک دهه اخیر اوج گرفت به ایجاد حساسیت بیشتر در ارتباط با سیستم‌بردگی در قایق‌های تفریحی منجر شده است در عین حال در حالی که نهادهای به دنبال حفظ ظاهر هستند، صدای برخی چهره‌های شاخص از درون سیستم، از ناگامی شبکه‌های سازمان یافته قاچاق انسان متصل می‌شود. در مقابل، واکنش کارگردان مرد متهم به آزار جنسی قرار بوده در جریان جشنواره کن منتشر شود که جشنواره برای مدیریت آن تیم بحران تشکیل داده است. یک ضرب‌المثل ایرانی است که می‌گوید چاه‌نکن بهر کسی اول خودت بعداً کسی و کنایه‌ای به این مسئله است که خدا جای حق نشتسته و اگر با نیت‌های بد علیه دیگران دست به اقدامی بزنی و چاهی مقابل پای کسی بکنی عدالت خدا باعث می‌شود آن چاه علیه خودتان کار کند و اول خودتان درون آن بیفتید. وضعیتی که جشنواره‌های فیلم غربی دقیقاً در سال‌های اخیر با آن دست به‌گریباندن و رسوایی علیه زنان باعث شده ادعای حمایت از حقوق زنان که از سوی فیلم‌های سیاه نما علیه کشورهای مسلمان ساخته می‌شود غیرقابل باور باشد. شواهد نشان می‌دهد، «قایق‌سوری» در کن، فراتر از یک معضل اخلاقی است و به شبکه‌های سازمان یافته قاچاق قاچاق انسان متصل می‌شود. در مقابل، واکنش نهادهای رسمی مانند کن و برلین اغلب در قالب انکار، دفاع از بی‌طرفی یا پذیرش چهره‌های متهم بوده است. این تناقض بین شعارهای حمایت از زنان و عملکرد واقعی، همان چیزی است که منتقدانی مانند کیت بلانشت آن را «هرگ سریع» جنبش اصلاحی می‌داند.

جشنواره‌های فیلم در غرب در عین حال که ژست حمایت از حقوق زنان می‌گیرند، آن متهمان به سوءاستفاده‌های جنسی حمایت می‌کنند. هر چند ممکن است برخی از این متهمان نیز قربانی پرونده سازی‌های صهیونیستی باشند با ایتحال این تناقض‌ها غیر قابل انکار است. در کن، خود جشنواره سعی می‌کند فاصله‌اش را با این پدیده حفظ کند و آن را خارج از رویداد رسمی بداند، درحالی که پرونده‌های قضایی مستقیماً به رویدادهایش گره خورده‌اند.

پرونده‌های قضایی مستقیماً به رویدادهایش گره خورده‌اند.

پرونده‌های قضایی مستقیماً به رویدادهایش گره خورده‌اند.

درباره اینکه چرا رسانه‌های غربی این موضوع را «بایکوت» می‌کنند یا به شکلی محدود پوشش می‌دهند، باید گفت این سکوت نتیجه یکسری سازوکار مکانیزم‌های ساختاری است، این دلایل در چند لایه قابل بررسی هستند. یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده، قوانین سختگیرانه توهین و افترا (Libel) است که در کشورهای مثل بریتانیا بسیار پرهزینه و خطرناک هستند. افراد ثروتمند و قدرتمند می‌توانند ارتش‌هایی از وکلای مجرب استخدام کنند تا روزنامه‌ها را تحت فشار بگذارند. این ترس از پیامدهای حقوقی باعث خودسانسوری در اتاق‌های خبری می‌شود. چالش منبع مالی نیز مؤثر است. در حالی که برخی رسانه‌های غیرانتفاعی مثل Miami Herald در پرونده اسپتین توانستند تحقیقات طولانی‌مدت انجام دهند، بسیاری از رسانه‌های تجاری به دلیل هزینه‌های سنگین داده‌ها، از ورود به این پرونده‌های پرهزینه اجتناب می‌کنند.

لایه اقتصادی و مالکیت که شامل منافع مشترک نخبگان می‌شود نیز مؤثر است. رسانه‌های اصلی اغلب در تمکک شرکت‌ها و افرادی هستند که خودشان بخشی از همان شبکه نخبگان به حساب می‌آیند. در این بین تعارض منافع را نیز نباید نادیده گرفت. وقتی مالکان رسانه‌ها خودشان با قایق‌های تفریحی و سرمایه‌داران در ارتباط هستند، سردبیران به طور ناخودآگاه می‌دانند که برخی خطوط قرمز را نباید رد کنند. برای مثال، گزارش شده که مدیرعامل گاردین با خریدار احتمالی آژورود در یک قایق تفریحی ۱۵میلیون پوندی تعطیلات گذرانده بود.

نفع تجاری دلیل دیگری است که موجب بایکوت موضوع می‌شود. تمرکز بر داستان‌های فردی و رسوایی‌های شخصی به جای بررسی ریشه‌های سیستمی برای رسانه‌ها جذاب‌تر و کم‌هزینه‌تر است زیرا مخاطب را درگیر می‌کند بدون اینکه به ساختار قدرت آسیب‌زند. در لایه سیستمی ما شاهد سکوت تعمیلی از درون خواهیم بود. علاوه بر فشارهای بیرونی، مکانیزم‌های قدرتمندی در خود صنعت سرگرمی و قایق‌ها وجود دارد که مانع از افشاگری می‌شود. قراردادهای محرمانه (NDA) نیز برای قربانیان اجباری است و آنها را تهدید به پیگرد قانونی در صورت صحبت کردن می‌کند.

دروازه‌بانی اعتبارعامل دیگر رسانه‌ای نشدن موضوع است. در محیط بسته قایق‌ها، فرهنگ سکوت حاکم است. افشاگران نه تنها با خطر از دست دادن شغل، بلکه با بدنام شدن و «لیست سیاه» شدن مواجه می‌شوند. در لایه رسانه‌ای موضوع چارچوب‌بندی و رسوایی‌زدایی مطرح می‌شود. حتی وقتی رسانه‌ها به موضوعاتی مثل پرونده اسپتین می‌پردازند، شیوه پوشش آنها به گونه‌ای است که سیستم بحران سیستمی را به یک «رسوایی فردی» تقلیل می‌دهند. به جای پرسش درباره اینکه چگونه شبکه‌های نخبگان شکل می‌گیرند و قوانین از آنها محافظت می‌کند، تمرکز روی «چه کسی در لیست بود؟» و «چه کسی استعفا داد؟» می‌رود. چرخه اخبار هم اهمیت دارد. پوشش خبری اغلب به صورت «موج‌های خبری» است، یک افشاگری، هیاهو و سپس فراموشی تا افشاگری بعدی. این چرخه مانع از درک عمیق و پیگیری ریشه‌های مشکل می‌شود. بنابراین، «بایکوت» رسانه‌های غربی بیش از آنکه یک دستور مستقیم باشد، نتیجه هم‌افزایی چند عامل است: ترس از داده‌های پرهزینه، منافع مشترک اقتصادی با نخبگان، سیستم سکوت تعمیلی از طریق NDA و «دروازه‌بانی» و در نهایت، چارچوب‌بندی خبری که سیستمی بودن این پدیده را پنهان می‌کند.

بخشی از یک سیستم گسترده‌تر در صنعت سرگرمی

می‌توان گفت این پدیده بخشی از یک سیستم گسترده‌تر در صنعت سرگرمی است که در چند لایه قابل بررسی است. آنچه در کن رخ می‌دهد، فراتر از یک معضل اخلاقی ساده است و ساختاری سازمان یافته دارد. زنان جوان اغلب از طریق آژانس مدلینگ، اینفلوئنسرها یا حتی همکارانشان با وعده «شبکه‌سازی» و «پکلیسی» جذب می‌شوند. آنها به نئیس پرواز داده می‌شوند و مستقیماً به هتل یا قایق‌های تفریحی منتقل می‌شوند. طبق گزارش‌ها از زنان خواسته می‌شود تلفن‌هایشان را تحویل دهند، اسناد محرمانه امضا کنند، یا به «قوانین سکوت» شفاهی تن دهند. گاهی گذرنامه‌هایشان گرفته می‌شود تا نتوانند خارج شوند. این پدیده در فضایی مهیم بین «همراهی لوکس» و «روسپی‌گری» قرار دارد. یک کارشاس صنعت در مصاحبه‌ای می‌گوید: «همه می‌دانند دخترها برای چه آنجا هستند. اسمش را اسکورت نمی‌گذارند اما همراهی با پاداش است. تفاوت فقط در نحوه بیان آن است. آلن نهاس، مدیر آژانس مدلینگ سابق که در سال ۲۰۰۷ به اتهام اداره یک شبکه روسپی‌گری دستگیر شد، گفت: «هر قایق حدود ۱۰ دختر دارد؛ معمولاً مدل هستند و معمولاً پرهنه یا نیمه‌برهنه».

واکنش رسمی کن به این موضوع خاص، محتاطانه و اغلب غیرمستقیم بوده است. ایجاد یک خط تلفن موسوم به ضد آزار یکی از اقدامات است. پس از رسوایی واینستاین، جشنواره در سال ۲۰۱۸ یک خط تلفن رایگان برای گزارش آزار و اذیت راه‌اندازی کرد. تیری فرمائو، مدیر جشنواره، در یک کنفرانس مطبوعاتی از پاسخ مستقیم به سوالات درباره مسائل جاری طفره رفت و گفت: «قبلاً درباره سینما صحبت می‌کردیم... آنچه در ۲۰ سال گذشته بیشتر تغییر کرده، سوالات شماس».

در اقدامی بی‌سابقه در سال ۲۰۲۵، جشنواره از حضور یک بازیگر فرانسوی (تئو ناوارو- موسی) در فرش قرمز به دلیل اتهامات تجاوز جنسی که تحقیقاتش همچنان پوز بود، جلوگیری کرد این نشان دهنده تغییر رویکرد کن از بی‌توجهی به اتهامات و بایکوت به سمت احتیاط است. کن همواره تأکید کرده که قایق‌ها بخشی از رویداد رسمی نیستند و تحت‌نظارت آن قرار ندارند اما مگر می‌شود باور کرد، این حاشیه‌ها کاملاً به این رویداد پی‌ریخت باشد خصوص اینکه همزمانی این دو رویداد را نمی‌توان نادیده گرفت.

سایر جشنواره‌های بزرگ اروپایی نیز با چالش مشابهی روبه‌رو بوده‌اند و واکنش‌ها متفاوت بوده است. تحلیل‌ها نشان می‌دهد جشنواره‌های اروپایی (کن، ونیز، برلین) در مقایسه با همتایان امریکایی خود (ساندنس، تورنتو) در برخورد با اتهامات سوء رفتار محتاطانه‌تر و محافظه‌کارانه‌تر عمل کرده‌اند. در داخل صنعت نیز سداهای منتقدی وجود دارد. کیت بلانشت، بازیگر و رئیس هیئت داوران پیشین کن، در سال ۲۰۲۶ گفت که جنبش می‌تو تخیلی

بهره‌کشی تبدیل می‌شوند.

بر خلاف ظاهر عادی و نمایشی در این قایق‌ها زنان با فشار و اجبار و با الککل و مواد مخدر به آرامش کشیده می‌شوند و اگر مقاومت کنند با خشونت یا اخراج مواجه می‌شوند. در یک مورد، یکی از کارمندان سابق قایق تعریف کرده که برای نجات دختران میهمان، مجبور بوده مخفیانه برایشان تاکسی اینترنتی بگیرد تا مورد تجاوز قرار نگیرند.

خط باریک با روسپی‌گری

در تحقیقی از جشنواره کن، یک مدیر آژانس مدلینگ اعتراف کرده که مدل‌ها می‌دانستند برای میهمانان ثروتمند باید «کارهای خاص» انجام دهند و بر اساس درجه شهرت و نوع خدمات پول نقد می‌گرفتند. این پدیده گاهی با عنوان روسپی‌گری لوکس هم شناخته می‌شود.

بایکوت هدفمند و رسمی

بزرگ‌ترین مانع برای قربانیان، سیستم قدرتمندی است که سکوت را تحمیل می‌کند. به قربانیان فشار آورده می‌شود که برای حفظ شغل یا شهرت‌شان سکوت کنند و از آنها امضاهای محرمانه می‌گیرند. قربانیانی که شکایت می‌کنند، «هشکل‌ساز» خطاب شده و اخراج می‌شوند. در حالی که متخلفان به کارشان ادامه می‌دهند. در یک مورد، یک کاپیتان متهم به ۸ مورد تجاوز بوده اما سال‌ها به کارش ادامه داده چون مدیران نمی‌خواستند درگیر «کاغذبازی» بشوند. متخلفان به سادگی بین قایق‌های مختلف جایجا می‌شوند و شرکت‌ها با عزل قربانی، مشکل را حل‌شده می‌دانند.

«شکارگاه» هاروی واینستاین

یک مدرک مستند و معتبر، اعتراف امیلی راتایاکوسکی، سوپرمدل معروف، در کتاب خاطراتش است. او نوشته در ابتدای کارش ۲۵هزار دلار گرفته تا با یک سرمایه‌دار به سوپرپول برود و در ازای «ساعت‌های حضورش» حقوق دریافت کرده است.

جشنواره کن هیچ‌گاه واکنش رسمی و مستقلی به اتهامات مربوط به پدیده «یچینگ» ارائه نداده است. با این حال، جشنواره در قبال موضوعات مشابه مرتبط با سوءاستفاده جنسی و تبعیض واکنش‌هایی نشان داده که می‌تواند برای درک فضای کلی آن مفید باشد. پس از مطرح شدن اتهامات علیه هاروی واینستاین در جشنواره کن، این رویداد به عنوان «شکارگاه» او توصیف شد که نشان از وجود فضایی برای سوءاستفاده دارد. در واکنش به اتهامات مشابه علیه یک کارگردان برنده نخل طلا، جشنواره اعلام کرد که از تحقیقات پلیس در این زمینه استقبال می‌کند. تیری فرمائو، رئیس جشنواره در پاسخ به نقدهای مربوط به کمبود کارگردانان زن، اعلام کرد که کن طرفدار برابری است و از فیلمسازان زن حمایت می‌کند اما این موضوع را به کمبود تعداد زنان در صنعت سینما نسبت داد. به نظر می‌رسد که جشنواره کن در برخورد با اتهامات کلی، رویکردی محتاطانه داشته و معمولاً ترجیح می‌دهد از اظهارنظر مستقیم درباره

آن همه ژست حمایت از حقوق زنان

آزسوی رسانه‌های غربی و متهم کردن جوامع اسلامی به رعایت‌نکردن حقوق

زن فقط با آگاهی از گوشه‌ای از ماهیت و ابعاد موضوعی به نام یچینگ نیاز دارد که وارونه‌نمایی این رسانه‌ها در سانسور آنچه پر زن در غرب به اصطلاح متمدن روا داشته می‌شود؛ آشکار می‌گردد. در گزارش پیش‌رو رسوایی قایق‌های تفریحی در سسواحل شهرهای بزرگ اروپایی هنگام رویدادهای به اصطلاح هنری را بررسی می‌کنیم.

■ ■ ■

برلین، کن و ونیز جشنواره‌هایی هستند که سال‌هاست محل رفت‌وآمد فیلمسازانی است که بعضاً از ایران چهره‌ای سیاه ترسیم می‌کنند. یک تجارت رسانه‌ای در پوشش هنری که ساختارها و محافل خود را دارد. خیلی فیلم‌هایی که در این جشنواره‌ها از ایران به نمایش در می‌آید وضعیت زنان را بغرنج و تحت ستم از سوی مردان نشان می‌دهد و به طور کلی آنهمه رشد و پیشرفت زن پس از انقلاب اسلامی در عرصه‌های مختلف علمی و ورزشی و اجتماعی را سانسور می‌کند اما حیرت انگیز است که در حاشیه همین رویدادهای به اصطلاح هنری اتفاقاتی درباره زنان رقم می‌خورد که شرم‌آور است. زنانی که دهه هاست به شکلی سیستماتیک رها شده و به سسواحل کن، ونیز و برلین آورده می‌شوند و در قایق‌های تفریحی از آنها سوءاستفاده‌های جنسی می‌شود. وقتی دوربین‌ها حواس‌شان متمرکز بر فرش‌های قرمز و لباس‌ها و زست‌های عجیب و غریب سلبریتی هاست چندصدمتر آنطرف‌تر روی قایق‌های تفریحی دختران و زنانی با ملیت‌های مختلف برده مردانی ثروتمند هستند که نظم سرمایه‌داری غربی آن‌را عادی‌سازی کرده است. اینطرف‌تر و روی پرده و در نشست‌های مطبوعاتی عکاس‌ها و خبرنگارها روی یک فیلم و عوامل ایرانی آن تمرکز کرده‌اند که قرار است به زن اروپایی بیچاره الفا کند درست است که از تو سوءاستفاده جنسی می‌شود اما با همه این مصائب در مقایسه با زنان داخل این فیلم‌ها خوشبختی!

اصطلاح «یچینگ» در واقع به قراردادن بازیگران زن، مدل‌ها و اینفلوئنسرها در کنار مردان ثروتمند و قدرتمند اغلب روی قایق‌های تفریحی لوکس در ازای پول یا فرصت‌های شغلی گفته می‌شود. گاهی در پوشش «تنورکینگ» یا میهمانی لوکس از آن یاد می‌شود اما خط باریکی بین همراهی، اسکورت و حتی روسپی‌گری لوکس را در می‌نورد. این اصطلاح از سال ۲۰۱۳ و با تحقیقی درباره جشنواره کن که بهشت این قایق‌هاست، رواج پیدا کرد اما رسانه‌ها در غرب ترجیح می‌دهند اخبار آن‌را بایکوت کنند و به آن ضرب ندهند در عوض همین رسانه‌ها مأموریت دارند مرگ مشکوک یک دختر ایرانی به نام مهسا امینی را در قالب یک پروژه به صدر اخبار بیاورند و حواس‌ها را از اتفاقات اصلی که بر سر زن غربی می‌آید پرت کنند.

شرایط عجیب در قراردادها

موضوع قایق‌ها چیست؟ قراردادهای ثبت شده نشان می‌دهد: این حقایق برخلاف ظاهر جنبه‌ای تا حدودی رسمی و حقوقی دارد. زنان با وعده پیشرفت شغلی جذب می‌شوند اما در فضای بسته قایق، فشار برای انجام کارهای بیشتر زیاد می‌شود. برخی منابع این پدیده را با شبکه استثمار جغری اسپتین مقایسه کرده‌اند. امیلی راتایاکوسکی، سوپرمدل معروف، در خاطراتش نوشته که در ابتدای کارش ۲۵هزار دلار گرفته تا با یک سرمایه‌دار مال‌زایی به سوپرپول برود و ساعتی حقوق می‌گرفته است. سلنا گومز، دمی لواتو، حدید و حتی مگان مارکل از چهره‌هایی هستند که همیشه نام‌شان در حاشیه این اخبار بوده است. در دنیای کی‌پاپ هم اتهاماتی علیه جتی از بلک‌پینک مطرح شده است. این پدیده در واقع پشت پرده تاریک شهرت و ثروت در قالب سبک زندگی ساختارمند و شبکه‌ای غرب است که در آن، از زنان به عنوان کالا استفاده می‌شود. برای درک عمیق‌تر این پدیده، باید به سه لایه پنهان آن نگاه کرد: نحوه ورود زنان به این بازی، فشارهای درون قایق‌ها و سکوت اجباری که این سیستم را حفظ می‌کند.

طلعمه فریب‌دهنده برای زنان

خیلی از زن‌ها با وعده «شبکه‌سازی شغلی» یا قراردادهای مدلینگ جذب این فرایند برده گی می‌شوند. پیشنهادهای وسوسه‌انگیز تأثیر خود را دارد. بعضی دعوت‌نامه‌ها حتی از طریق پلتفرم‌های معتبر به هنرپیشه‌ها ارسال می‌شود و قول «فیلمبرداری» یا «عکاسی» در سفرهای لوکس را می‌دهند. در برخی درخواست‌ها از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که «کاملاً سالم و از نظر روانی پایدار» باشند و حتی عکاسی برهنه اجباری در قراردادها قید می‌شود. این یعنی از ابتدا، موضوع فراتر از یک میهمانی ساده تعریف می‌شود.

خشونت و بهره‌کشی

این قایق‌ها در فضای بسته و دور از چشم جامعه به صحنه‌هایی از آزار و



نگاهی به پدیده «یچینگ» در جشنواره‌های سینمایی و هنری غرب

زن بردگی ورسوایی روی قایق‌های تفریحی